

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز با تشکر از مطالب بسیار راه‌گشایان. سوالم در مورد بحث حضور تاریخی است که شاید سوال کردن در این مورد درست نباشد، اما خواستم ببینم این برداشت بنده صحیح است یا باید اصلاح بشه. ممنون ۱. یک دستگاه فکری یا یک روح با تمام جهات و ابزارش زندگی را به بن بست رسانده و یا حداقل آینده‌ی روشنی برای آن متصور نیست (مثلاً تمدن غرب)، حال از دل همین بن بست‌ها و اضطراری که ایجاد می‌شود، ظرفیتی حاصل شده که خداوند سمیع، طبق آن راهی مثل اسلام و انقلاب اسلامی را که قابلیت ورود و حل تمام مشکلات و بن بست‌های قبلی را دارد، به ظهور می‌رساند، حال این راه که یک روح یا تفکر است، را تاریخ جدید یا تاریخ ساز جدید گویند، حال به میزانی که هرکس از گذشته بریده و با سبک راه حل جدید زندگی کند در تاریخ جدید وارد شده و حضور تاریخی دارد. ۲. آیا ظهور ادیان مختلف در زمان پیامبران مختلف را می‌توان اینگونه تحلیل کرد؟ ۳. در مورد فهم حال و احوالی که بر افرادی مثل قوم ایمان آورنده‌ی به حضرت موسی یا بالاخص ساحران مومن به او، یا حواریون حضرت عیسی، یا صحابه پیامبر یا حر ریاحی می‌گذرد، چقدر می‌توان گفت که آنها همواره با بد فهمی‌ها و افراط و تفریط روزگاران خود نسبت و فاصله‌ای تعریف کردند و تسلیم نبودند و منتظر بودند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحمدالله بسیار خوب و عالی متوجه حضور تاریخی شده‌اید. و از آنجایی که در دل همان بن‌بست‌ها راهی ظهور می‌کند؛ ما به‌کلی از گذشته منقطع نمی‌شویم بلکه متوجه امکانات حضور خود در آینده می‌گردیم. ۲. به نظر بنده همین‌طور است. ۳. همین‌طور است. وقتی از طرف خداوند افقی گشوده شود، انسان بودن خود را در گرو حضور در آینده معنا می‌کند. اخیراً در جلسه چهل و ششم «در راستای بنیان‌های حکمت حضور در جهانی بین‌دو جهان»

[Fhttps://eitaa.com/khanehtolab/۳۱۰](https://eitaa.com/khanehtolab/۳۱۰)

در این مورد نکاتی عرض شده است. فکر می‌کنم می‌تواند راه‌گشایی در رابطه با «تفکر» باشد. موفق باشید

